

از کرخه تا مدیترانه با اسلحه‌های در دست



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

رسالت سینماگران در استفاده از دوربین فیلمبرداری و امکاناتی که در اختیارشان قرار می‌گیرد چیست؟ آیا آنها فقط وظیفه دارند هنر را برای هنر به کار گیرند و جز برآورده کردن خواسته‌های خویش در صنف بازار فیلم و جشنواره‌ها و خوش‌ویش با دبیران جشنواره‌های مطرح و غیرمطرح اروپایی به چیز دیگری فکر نکنند و با عاقبت طلبی دین و دنیای خودشان را با دریافت مبلغ ناچیزی از دست دهند؟ یا اینکه چون طیف تریبون دار همین مردم به حساب می‌آیند صدای آنها را منعکس کنند و ذهن‌شان را نسبت به فضا و جغرافیایی که در آن قرار گرفته‌اند از مدخل قصه‌هایی که به روایت آنها مشغولند آگاه سازند؟ مسأله انقلاب اسلامی ایران در قامت یک حرکت عظیم فرهنگی مورد اول را برمی‌تابد و بر مورد دوم صحنه می‌گذارد اما در نگاهی تاریخی به احوال سینمای این ۴۵ سال با یک واقعیت دردناک مواجه می‌شویم؛ اینکه فیلمساز ما در بزنگاه‌های گوناگون چندان نسبت به تشخیص سره از ناسره موفق عمل نکرده و سخت در بازی‌های فرمالیستی و گاه مضمون زده گرفتار شده است. ما در خاورمیانه زندگی می‌کنیم و لاجرم باید مقاومت در دل تمام کنش‌ها، واکنش‌ها و حتی همه شئون زیست روزمره‌مان نقشی اساسی و مستمر ایفا کند و سینما هم به عنوان ابزار جنگ نرم از این قاعده مستثنی نیست.

«سینمای مقاومت» وظیفه دارد با پس زدن فضایی که آثار شبه-اجتماعی و شبه‌کمدی در کشور ایجاد کرده‌اند، مردم را نسبت به وضعیت حساسی که کشور در آن قرار گرفته است مطلع کنند و جنبه رسانه‌ای سینما را با زور از هر زمان دیگری به یاد آذهان بیآورند اما مشاهده می‌کنیم که جز مواردی معدود در این سال‌ها کمتر سینماگران با فیلمسازی رسالت خود را در همه حال مقاومت و هسته سخت و نرم آن مشخص کرده باشد؛ مقاومت فرم دارد چون در همه‌شانی کامل با حقیقت اثری-ابدی انسان قرار گرفته و امری فطری است، حال آنکه اگر به بسیاری از مسائلی پیرامون خود با دقت و تأکید بیشتری نگاه کنیم برپایه به روشنی مشخص می‌شود که بود و نبود آنها هیچ توفیری ندارد و طبیعتا باید در مواجهه با امور انضمامی و عینی طرد و حذف شوند اما گوش هنر مدرن و پست مدرن به این حرف‌ها بد‌هکار نیست و ترجیحش رسیدگی به امور انتزاعی، بی‌فایده و سرکاری است.

سینماگری که در پنت‌هاوس خود روز را به شب و شب را به روز می‌رساند و آرزویش تنها ایستادن مترسک‌گونه و لخت و عور بر دامنه کوهی است که سینماگر غربی قله آن را پیش تر فتح کرده پرواض است که نمی‌تواند به دست‌خده‌ها و مسائل واقعی کشور و مردمانش بیندیشد و قوه خلاقه خود را برای بازنمایی شرایط حساسی که در آن قرار گرفته‌ام به کار بیندازد. اسرائیل، آمریکا، اروپا... چند اسم بی معنی در پهنه جغرافیا نیستند که بتوان با منطق هزینه و فایده به کسب وکار حلال با آنها پرداخت و این را «هنرمند» جماعت باید بیش از دیگران درک کند. ولی باز با وجود این سینماگران آگاه که «مقاومت» به مسأله اصلی‌شان تبدیل شده اگر زیاد هم نباشند آفت‌دگر کم هم نیستند و باید بیش از پیش با نگاهی ژرف به آثارشان توجه نشان داد.

یک مرد جنگی به از صد هزار

نام ابراهیم حاتمی‌کیا با دفاع مقدس، اسارت، مقاومت و ایثار و بیچه‌های جنگ عجین شده است؛ به طوری که تم مشترک بسیاری از آثار سینمایی و تلویزیونی این فیلمساز مهم و تاثیرگذار را شکل می‌دهند. وقتی انقلاب اسلامی به ثمر نشست حاتمی‌کیا یک نوجوان ۱۷ ساله بیشتر نبود ولی در

پیوند با با این واقعه عظیم تاریخی قد کشید و سیل حوادث هم نتوانست روند طبیعی او در مسیر تبدیل شدن به یک اسم خاص در سینمای ایران را به تأخیر بیندازد. یکی از مسائلی مهم و چالش برانگیز سینمای حاتمی‌کیا از «هویت» تا «به وقت شام» مقاومت بوده و در فریم فریم آثارش حتی لحظه‌ای از آن پا پس نکشیده است. حتی وقتی تصمیم گرفت دفاع مقدس را از زاویه دید جعلی و برساخت شده «ضد جنگ» روایت کند باز هم با رفته‌ای از آن حاتمی‌کیای همیشگی نشان‌مان داد و ارزش مقاومت را به صورت زیرپوستی و ضمنی نداعی کرد. «به نام پدر» یا «موج مرده» دو نمونه از این فیلم‌ها بودند که هرچند از زاویه دید یک فرد پیشیمان از حضور در جنگ تحمیلی روایت می‌شدند و درون‌مایه‌شان مشحون از مفاهیم ضد جنگ و حقوق بشرانه بود ولی فیلمساز «مقاومت» و «تسلیم» را در آن امری علی‌السویه که هستی و نیستی‌شان با هم برابر است به تصویر درنمی‌آورد. درواقع کسی که جان‌های به خاک افتاده این سرزمین را در طول دفاع مقدس به چشم دیده و ثبت‌شان کرده نمی‌تواند دروغ بگوید، حتی اگر دل‌شکسته از بروز بعضی از اتفاقات تصمیم به انجام این فعل گرفته باشد. اما این فقط بخش کوچک و ناچیزی از کارنامه پر و پیمان ابراهیم حاتمی‌کیاست که از قضا بدترین فیلم‌های وی را نیز از هر حیث شامل می‌شود. اگر می‌خواهیم ابراهیم داستان را به خوبی مورد شناسایی قرار دهیم باید دست روی نقاط روشن کارنامه‌اش که کم کم هم نیستند بگذاریم. وقتی ظلمت و سیاهی چشم وطن را از خاک پر کرد این حاتمی‌کیا بود که نخستین گام‌های جدی سینمای ایران در تصویر کردن واژه مقاومت را محکم و استوار برداشت و در میان هیاهوی سینمای مجعول و نه چندان خودسنده جشنواره‌ای جایی امن برای خود و هم مسلکان انقلابی‌اش ایجاد کرد. اشتباه نکنید، حاتمی‌ولیا اولین فیلمساز مقاومت نبود ولی قطعا یکی از اولین نفرات و قطعا مهم‌ترین فرد آن جمع بود که برای فرم همچون مضمون اهمیت قائل می‌شد و بنیانگذار سینمای جدی دفاع مقدس لقب گرفت. او. که امکان هم یکی از معدود سرمایه‌های جنبه انقلاب است و با ارزش بحث‌های زیادی را پیرامون خود و مفاهیمی که همیشه با آنها سروکار دارد به وجود می‌آورد. فردی که آرمان ندارد طبعا نمی‌تواند مقاومت را هم معنا کرده و آن را به نیروی محرک آثارش بدل کند. حاتمی‌کیا هم در مقام مدعی‌العموم فرهنگی که نمره‌اش در انقلاب و دفاع مقدس مشخص شد با قرار گرفتن در پشت دوربین فیلم «از کرخه تا رای» و «بوی پیراهم یوسف» بحث مقاومت، جنگ و صلح را به خوبی باز می‌کند و در عین اینکه از غربت و مظلومیت زرمندگان داد سخن سر می‌دهد، بر موجودیت ایران به عنوان یگانه آغوش امن مظلومان جهان تأکید می‌کند و از دلایل متفق حضور بهترین فرزندان این سرزمین در جنبه‌های جنگ، آن هم در شرایطی که دشمن پشت دروازه شهرهای مهم و استراتژیک ماست به شکلی دراماتیزه شده و هنرمندانه پرده برمی‌دارد.

شوق پرواز فاخته

جنگ و مقاومت تمام هستی رسول ملاقلی‌پور بود که زندگی و زیست هنرمندانه و متفاوت او را تا آخر عمر نسبتا کوتاه‌ش رها نکرد و وی را همچون مادری که فرزندان را عاشقانه دوست دارد در آغوش گرفت. ملاقلی‌پور از همان ابتدا ناقوس سینمای مقاومت جنگ را با داستان‌ش به صدا درآورد و تا لحظه نگذشت از این دنیا صاحب ایده و نگاهی یکه و ممتاز در این زمینه بود. در تحلیل سینمای پالوده و مترقی ملاقلی‌پور نباید جایگاه عدالت‌باوری این کارگردان را به دور از هسته مقاومت و اهمیت آن در نظر گرفت. درواقع این دو مفهوم مکمل یکدیگرند و هم را در جای درست خود کامل می‌کنند. زندگی کارکنان ملاقلی‌پور در آثارش سراسر مبارزه است

«فرهیختگان» فروش سینمای ایران در هفته اول مهرماه را بررسی کرد

تنها ۱۶ درصد

سهم کودکان و نوجوانان



کیانا تصدقی مقدم خبرنگار گروه فرهنگ

با آمدن پاییز و شروع مدارس ضرورت داشتن محتوا در حوزه‌های فرهنگی و هنری به‌ویژه سینما بیشتر احساس می‌شود. روز ۹ مهر می‌گذرد و به همین بهانه سراغ سایت سمفا (سامانه مدیریت فروش و اکران سینما) رفتیم تا ببینیم چه فیلم‌های سینمایی در هفته اول پاییز روی پرده هستند و چقدر فروخته‌اند. اول سراغ آثاری رفتیم که برای کودک و نوجوان در نظر گرفته شده است. از ۳۱ فیلم روی پرده ۴ اثر برای این رده سنی روی پرده سینماست. یکی از آنها «ببعی قهرمان» است که به تاژگی اکران شده و اتفاقاً پرفروش‌ترین اثر در هفته اول مهر محسوب می‌شود. «شهر گربه‌های ۲»، «ایلپا در جست‌وجوی قهرمان» و «سفر پرماجر» سه اثر دیگری است که به دلیل اینکه از اکران‌شان زمان بیشتری گذشته با سانس‌ها و تعداد سالن محدودتری روی پرده هستند. درواقع از بین چهار اثر نام‌برده تنها یک فیلم با برنامه‌ریزی و برای اکران مهرماه در نظر گرفته شده است. درواقع آمار موجود در سامانه سمفا نشان می‌دهد از ۳۴۲۷ سالن ۷۶۶ سالن و از ۱۹۴۵۶۶ سانس ۳۲۲۳ سالن به فیلم‌های کودک و نوجوان اختصاص دارد، یعنی ۲۲ درصد سالن‌ها و ۱۶ درصد سانس‌ها در اختیار سینمای کودک و نوجوان است. درحالی‌که با توجه باز شدن مدارس اکران فیلم‌هایی مختص به این رده سنی می‌تواند فرصتی باشد برای بالابردن آمار فروش در گیشه. بعد از بررسی تعداد فیلم‌های کودک و نوجوان میزان فروش

و اگر هم این مبارزه در ظاهر به شکست می‌انجامد ولی دلپایی برای ادامه ندادن وجود ندارد چون تاریخ حق و حقیقت با پستی و بلندی هایش معنا می‌شود و روان‌پریشی روزگار هم نخواهد نتوانست خدشه‌ای به آن وارد کند. زیبایی‌شناسی ملاقلی‌پور هرچه به زمان حال نزدیک‌تر شد سخت‌تر در نظر مخاطبانش جلوه کرد ولی ساختار آثارش را در نسبت با دیگر بیچه‌های جنگ در جایگاهی استثنایی و رفیع تصویر ترسیم کرد. او وقتی پشت دوربین فیلم «قارچ سمی» قرار گرفت سخت از زمانه دل‌آزوده بود و آن دل‌آزدرگی و عصیت را در این فیلم مورد بازخوانی قرار داد. جمشید هاشم‌پور در نقش دومان درگیر زیست کارمندی و روزمره است که یک تصادف همه چیز را تغییر می‌دهد و او با رجوع به خاطرات دوران حضورش در جبهه ناامیدی را از تن پاک می‌کند و لباس رزم می‌پوشد و به جنگ دانه‌درشت‌ها می‌رود. مخاطب در سفر دومان برای زودن پلشتی‌ها و مقاومت در برابر شرایطی که مقاطعه‌کاران تعدیل‌گر به وجود آورده‌اند با وی همراه و هم‌مسیر می‌شود. اگرچه ملاقلی‌پور در تعدادی از فیلم‌های شهری‌اش جامعه پیرامون خود را بسیار تلخ و عصبی به تصویر درمی‌آورد ولی زندگی این نگاه‌باغث نمی‌شود او ردای نیهیلیسم پوچ جشنواره‌پسند بر تن کند و با آن به دیگری پز بدهد. ملاقلی‌پور هم مانند بسیاری از مسافران قطار سینمای ایران در دهه ۶۰ دگرگن اتفاقات و دغدغه‌های پوچ نیست و در رودخانه خروشان و پراشوب تکنیک‌زدگی غرق نمی‌شود، بلکه با شنا در مسیر خلاف جهت راه خودش را پیدا می‌کند. این کارگردان با فیلم «سفر به چذابه» از یک‌باک رزمند‌های جنگ اسطوره می‌سازد و امتداد خواب و خیال‌ش را بر خاطره‌ای که به شدت واقعی است به تصویر درمی‌آورد. ملاقلی‌پور حتی در فیلم آخرش که چندان هم اثر خوبی نیست از زنان حاضر در جنگ و مصائب‌شان حرف می‌زند و نشان می‌دهد که زن به‌مثابه میهن اگرچه بر تخت بیمارستان افتاده و حال و روز خوشی ندارد ولی باز فرزندگی به بار می‌آورد که زمین و زمان به حالش غبطه می‌خورند. درواقع او با استفاده از ایما و اشاره و نماد در پی سخن گفتن از حریت و آزادگی زنان سرزمین است، هرچند سانی‌مانتالیسم چندان وی را به مقصودش نمی‌رساند.

سرودهای مخالف ارکستر بزرگ ندارد

مسعود کیمیایی یک فیلمساز غریزی است و کسی است که به واسطه حضور مداوم و مستمرش در پشت صحنه و سال‌ها فیلم دیدن توانست به پشت دوربین برود و قصه‌های مردم‌ش را روایت کند. او در بچگی همسایه خلیل طهماسبی بود و از همان زمان مفهوم مقاومت در روح و جانش دمیده شد. «گوزن‌ها»، «خاک»، «خط قرمز»، «سرب» و «دندان مار» را اگر کنار هم قرار دهیم متوجه می‌شویم که جایگاه مفهوم لای مقاومت در تک‌تک آنها جاری است و با هیچ نگاهی نمی‌توان منکر آن شد. درواقع افراد به واسطه تربیت‌شان در اوآن کودکی یا شجاع و نترس هستند و مقاومت در بند بند وجود‌شان نفوذ می‌کند یا اینکه محافظه‌کارند و گذرشان تا آخر عمر به کوچ‌ه مقاومت نمی‌افتد. کیمیایی سواى سطح کیفی آثاری که در تمام این پنجاه و اندی سال ساخته سخت به این مسأله اعتقاد دارد که زندگی دوباره آدم‌های این سرزمین با مقاومت پوست می‌اندازد و تولدی دوباره را آغاز می‌کند. نقطه عطف زندگی رضای «دندان مار» و سید «گوزن‌ها» وقتی سر می‌رسد که آنها تصمیم می‌گیرند از زیر بار غم و محنت روزگار به قبال شکست تن در ندهند و کمر راست کنند. به عبارت دیگر این مقاومت است که ققنوس‌وار از حریم امن خودش بیرون می‌آید و زندگی قهرمانان کیمیایی را نجات می‌دهد. در طرف دیگر مسایه قهرمانان کیمیایی نوری قرار دارد که برای برقراری عدالت بدون اهمیت به کیش و دین و مرام افراد به جاده

می‌زند و با هاگانایی‌های صهیونیست به مقابله و جنگ رودرو می‌پردازد. بسیاری این‌طور فکر می‌کنند که هسته مقاومت از دل شرایط جنگی و جنگ سخت مداوم پدید می‌آید ولی باید عنوان کرد تمام ثانیه‌ها و ساعت‌های زندگی روزمره ما درگیر این مفهوم است و به‌شکل مداوم با آن ارتباط دارد. کیمیایی هم اگرچه فرزند جنگ نیست و عمده آثار سینمایی‌اش هم چندان با جبهه‌های نبرد ارتباط عینی برقرار نمی‌کند اما در هر فیلم خود بخشی را به مفهوم مقاومت اختصاص داده است که در جای مناسب می‌توان به جزئیات بیشتری از چند و چون آن اشاره کرد.



فروش سینما در هفته اول مهرماه					
شماره	فیلم	کارگردان	میزان فروش (تومان)	تعداد سانس	تعداد سالن
۱	ببعی قهرمان	حسین صفارزادگان و میثم حسینی	۵ میلیارد و ۷۴ میلیون	۱,۹۸۵	۳۸۴
۲	نگراس ۳	سیدمسعود اطیابی	۵ میلیارد و ۲۷۴ میلیون	۲,۷۹۴	۳۵۵
۳	مفت‌بر	عادل تبریزی	۳ میلیارد و ۷۸۱ میلیون	۲,۵۲۷	۳۶۵
۴	پول و پارتی	سعید سهیلی	۳ میلیارد و ۵۸۴ میلیون	۲,۴۴۲	۳۷۳
۵	قیف	محسن امیریوسفی	۳ میلیارد و ۳۹۶ میلیون	۲,۳۲۴	۳۶۶
۶	شه‌سوار	حسین نمازی	۲ میلیارد و ۲۸۳ میلیون	۱,۶۲۶	۲۷۸
۷	قلب رقه	خبرالله تقیانی‌پور	۱ میلیارد و ۶۱۸ میلیون	۱,۰۵۱	۲۰۸
۸	خجالت‌نکش ۲	رضا مقصودی	۱ میلیارد و ۸۲ میلیون	۹۳۰	۱۷۳
۹	شهر گربه‌ها ۲	سید جواد هاشمی	۱ میلیارد و ۶۰ میلیون	۱,۲۲۸	۲۹۹
۱۰	آغوش باز	بهرز شعبی	۶۲۸ میلیون	۸۱۶	۱۷۲
۱۱	در آغوش درخت	بابک خواج‌پاشا	۵۶۱ میلیون	۵۵۵	۱۱۷
۱۲	ملاقات با جادوگر	حمید بهرامیان	۳۲۴ میلیون	۳۰۸	۸۲
۱۳	زودپز	رامید جوان	۱۹۴ میلیون	۳۳۱	۸۷
۱۴	روزی روزگاری آبادان	حمیدرضا آذرنگ	۱۰۹ میلیون	۶۷	۱۸
۱۵	یادگار جنوب	پدرام پورامیری و حسین دوماری	۱۰۹ میلیون	۱۰۷	۲۴
۱۶	مست عشق	حسن فتحی	۵۴ میلیون	۵۷	۸
۱۷	لختگی	کاوه دهقانپور	۴۱ میلیون	۹۸	۳۲
۱۸	کارزار	شهرام اسدزاده	۱۷ میلیون	۵۴	۲۸
۱۹	نفرین آرتا	مجید کریمی	۱۵ میلیون	۵۳	۲۷
۲۰	ساعت ۶ صبح	مهران مدیری	۹ میلیون	۲۴	۱۱
۲۱	تمساح خونی	جواد عزتی	۶ میلیون	۱۶	۲
۲۲	سودابه	محمدعلی سجادی	۴ میلیون	۱۱	۸
۲۳	آسمان غرب	محمد عسگری	۴ میلیون	۱	۱
۲۴	خانه پورکیان	امیر پورکیان	۳ میلیون	۵	۸
۲۵	سال گریه	مصطفی تقی‌زاده	۲ میلیون	۸	۳
۲۶	سفر پرماجر	حجت‌الله سیفی	۲ میلیون	۹	۷
۲۷	ایلپا جستجوی قهرمان	سیدعلی موسوی‌نژاد	۱ میلیون	۱	۱
۲۸	عطرآلود	هادی مقدم‌دوست	۱ میلیون	۸	۳
۲۹	مصائب شیرین ۲	علیرضا داودنژاد	۹۰۰ هزار	۶	۴
۳۰	روایت ناتمام سیما	علیرضا صمدی	۳۰۰ هزار	۳	۲
۳۱	نیلگون	حسین سهیلی‌زاده	۲۰۰ هزار	۱	۱

